



شناسایی شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مهتاب افشین^۱، مهسا غلامحسین زاده^۲، مریم تقوایی یزدی^۳

۱. گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: Mahsa.1971@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش استان مازندران بود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، طرح پژوهش به صورت آمیخته (کیفی-کمی) انجام بوده است. در بخش کیفی، از روش اکتشافی با رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد و مدل نظام مند اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) بهره گرفته شد. در بخش کمی، پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل خبرگان آموزش و پرورش بود که بر اساس روش نمونه گیری هدفمند و معیار محور انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. جامعه آماری این بخش شامل کلیه معلمان و مدیران مدارس استان مازندران بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد و نمونه گیری به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب انجام گرفت. روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظر خبرگان و روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. پایایی ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ارزیابی گردید. تحلیل داده‌های کمی با بهره گیری از آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزارهای اس پی اس اس و اسمارت پی ال اس انجام شد. جامعه آماری بخش کیفی این پژوهش، خبرگان حوزه آموزش و پرورش بودند که بر اساس روش نمونه گیری هدفمند و با رویکرد معیار محور انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد در چارچوب سند تحول بنیادین، شامل ابعاد روان شناختی، آموزشی، محیطی، فرهنگی و مدیریتی را شامل می شود. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: سلامت روان و هیجانی دانش آموزان، فضای فیزیکی ایمن و جذاب، روش‌های تدریس فعال و خلاق، روابط انسانی مثبت، برنامه‌های هنری و ورزشی، مشارکت خانواده، عدالت تربیتی و رهبری اثربخش مدرسه. چنین ترکیبی از مؤلفه‌ها، تصویری جامع از مدرسه شاد ارائه می کند که با اهداف و مأموریت‌های سند تحول بنیادین هم‌راستا است.

کلیدواژه‌گان: شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد، سند تحول بنیادین، آموزش و پرورش، استان مازندران

تاریخ ارسال: ۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۷ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱۸ مهر ۱۴۰۴



How to cite: Afshin, M., Gholamhoseinzadeh, M., & Taghvae Yazdi, M. (2025). Identifying the Effectiveness Indicators of Happy Schools Based on the Fundamental Reform Document of Education. *Training, Education, and Sustainable Development*, 3(3), 1-18.



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying the Effectiveness Indicators of Happy Schools Based on the Fundamental Reform Document of Education

Mahtab Afshin¹, Mahsa Gholamhoseinzadeh^{1*}, Maryam Taghvae Yazdi¹

1. Department of Educational Management, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran.

*Corresponding Author's Email: Mahsa.1971@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study was to identify the effectiveness indicators of happy schools based on the Fundamental Reform Document of Education in Mazandaran Province. This research, in terms of purpose, was applied, and in terms of the nature of the data, was conducted using a mixed-methods design (qualitative–quantitative). In the qualitative part, an exploratory method with a grounded theory approach and the systematic model of Strauss and Corbin (1998) was employed. In the quantitative part, the study was descriptive–survey in nature. The statistical population included education experts who were selected using purposive and criterion-based sampling. Semi-structured interviews were used to collect data. The statistical population in the quantitative section consisted of all teachers and principals of schools in Mazandaran Province. The sample size was determined using Cochran's formula, and stratified random sampling proportional to the population was applied. The content validity of the questionnaire was confirmed by expert judgment, while construct validity was examined through confirmatory factor analysis. The reliability of the instrument was evaluated using Cronbach's alpha coefficient and composite reliability. Quantitative data analysis was carried out using descriptive and inferential statistics with SPSS and Smart PLS software. The statistical population of the qualitative section of the study comprised education experts selected through purposive, criterion-based sampling. The findings indicated that the effectiveness indicators of happy schools, within the framework of the Fundamental Reform Document, included psychological, educational, environmental, cultural, and managerial dimensions. These indicators consisted of students' psychological and emotional well-being, a safe and attractive physical environment, active and creative teaching methods, positive human relationships, artistic and sports programs, family participation, educational justice, and effective school leadership. Such a combination of components provides a comprehensive picture of a happy school that is aligned with the goals and missions of the Fundamental Reform Document.

Keywords: *effectiveness indicators of happy schools, Fundamental Reform Document, education, Mazandaran Province*

Submit Date: 22 June 2025

Revise Date: 29 August 2025

Accept Date: 07 September 2025

Publish Date: 10 October 2025

آموزش و پرورش در دنیای معاصر به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، نقش تعیین کننده ای در رشد پایدار و توسعه همه جانبه ایفا می کند. این نهاد نه تنها بستر ساز شکوفایی استعدادها و ارتقای سرمایه انسانی است بلکه با فراهم آوردن محیطی سالم و پویا، مسیر تعالی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی را هموار می سازد. مدیریت اثربخش مدارس، به ویژه در مقطع ابتدایی و متوسطه، از جمله چالش های اساسی نظام های آموزشی است؛ زیرا کیفیت محیط یادگیری و سبک مدیریت، نقشی مستقیم در تحقق اهداف تربیتی ایفا می کند (Ugochukwu et al., 2021). در این میان، مفهوم «مدرسه شاد» به عنوان چارچوبی نوین برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش، اهمیت ویژه ای یافته و با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در ایران، رویکردی کلیدی برای تضمین سلامت روانی، ارتقای انگیزش و بهبود فرایند یادگیری محسوب می شود (Narkho et al., 2024).

مدارس شاد نه تنها محلی برای انتقال دانش، بلکه کانونی برای پرورش شادی درونی، نشاط اجتماعی و رشد متوازن شخصیت دانش آموزان هستند. پژوهش های مختلف نشان داده اند که توجه به شاخص های شادکامی در مدرسه، پیش نیاز شکل گیری جامعه ای پویا و توانمند است. برای نمونه، بهرامیان در پژوهش های متعدد خود نشان داده است که مدل مدرسه شاد در ایران ریشه در فرهنگ ایرانی - اسلامی دارد و با تأکید بر شادی درونی و بیرونی می تواند به الگویی عملیاتی در نظام آموزشی تبدیل شود (Bahramian, 2021; Bahramian et al., 2020). او تصریح می کند که تلفیق آموزه های بومی با مؤلفه های جهانی آموزش، بهترین راهکار برای تحقق اثربخشی مدارس است. در همین راستا، دهقانی نیز با تکیه بر آموزه های اسلامی به تبیین اهداف برنامه درسی مدارس شاد پرداخته و نقش آن را در ارتقای سلامت روانی، افزایش انگیزه و بهبود روابط اجتماعی دانش آموزان برجسته کرده است (Dehghani, 2018).

ادبیات پژوهشی بین المللی نیز بر اهمیت شادی در مدرسه به عنوان متغیری اثرگذار بر یادگیری تأکید دارد. گراماکسو در مطالعه ای بر روی دانش آموزان پرتغالی، به این نتیجه رسید که مدرسه شاد از دیدگاه دانش آموزان تنها به محیط فیزیکی محدود نمی شود، بلکه شامل کیفیت روابط انسانی، فرصت های خلاقیت و حمایت روانی نیز هست (Gramaxo, 2023). در پژوهشی دیگر، ایگبرگ و همکاران نشان دادند که هیجانات تحصیلی و تجربه شادی در یادگیری خودتنظیمی دانش آموزان، نقش تعیین کننده ای در دستیابی به موفقیت های تحصیلی و رضایت از مدرسه دارد (Egeberg et al., 2024). این یافته ها همسو با مطالعات داخلی است که نشان می دهد شادی در مدارس می تواند عملکرد تحصیلی را بهبود بخشد و زمینه ساز توسعه متوازن شخصیت دانش آموزان گردد (Gharibzadeh et al., 2023).

نکته قابل توجه دیگر آن است که شادی مدرسه ای، صرفاً مفهومی انتزاعی یا روان شناختی نیست، بلکه دارای شاخص ها و ابعاد عینی است که می توان آن ها را سنجید و مدیریت کرد. برای نمونه، لی و همکاران با استفاده از رویکرد تصمیم گیری گروهی و مدل فازی، به ارزیابی عملکرد مدارس پرداختند و نشان دادند که شاخص هایی نظیر فضای فیزیکی، تعامل معلم و دانش آموز، و مدیریت منابع انسانی، نقش برجسته ای در موفقیت مدارس دارند (Li et al., 2023). از سوی دیگر، مطالعاتی همچون کار دوبان و کوچوک ییلماز درباره شیوه های نوین ارزشیابی در مدارس ابتدایی، اهمیت روش های جایگزین و خلاقانه در سنجش شادی و کیفیت آموزش را برجسته ساخته اند (Duban & KÜÇÜKYılmaz, 2020).

با وجود اهمیت فراگیر مدارس شاد، پژوهش ها نشان می دهند که بسیاری از نظام های آموزشی همچنان با چالش های مدیریتی و ساختاری مواجه اند. ماماواگ در مطالعه ای در فیلیپین دریافت که اجرای نظام مدیریت عملکرد مبتنی بر نتایج در مدارس ابتدایی با دشواری های متعددی روبه رو است و همین امر مانعی برای تحقق محیطی شاد و اثربخش محسوب می شود (Mamaug, 2022). همچنین، بررسی ریشا در زمینه استفاده از راهبردهای یادگیری مشارکتی نشان داد که مشارکت فعال دانش آموزان و بهره گیری از روش های نوین تدریس، نقشی اساسی در افزایش شادکامی و انگیزش آن ها دارد (Risha, 2019). این مطالعات نشان می دهند که مدیریت اثربخش، نوآوری در تدریس و مشارکت خانواده، سه رکن اساسی در شکل گیری مدارس شاد به شمار می آیند.

یکی دیگر از عوامل کلیدی در تحقق مدرسه شاد، توجه به فرهنگ سازمانی است. محمودی سردره و همکاران در پژوهش خود به شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی در مدارس اثربخش پرداختند و دریافتند که ایجاد روحیه اعتماد، تعامل سازنده، و تقویت همبستگی میان اعضای مدرسه، می‌تواند به شکل‌گیری محیطی شاد و پویا منجر شود (Mahmoudi Sardareh et al., 2021). در کنار آن، تحقیقات میلر و همکاران در حوزه روان‌شناسی مثبت نشان می‌دهد که تمرکز بر شادی اصیل و ارتقای رضایت شغلی در میان روان‌شناسان و معلمان، به بهبود کیفیت خدمات آموزشی و ایجاد محیطی مثبت در مدارس کمک می‌کند (Miller et al., 2008).

از منظر مدیریتی، بسیاری از پژوهش‌ها بر اهمیت سبک رهبری و برنامه‌ریزی استراتژیک تأکید دارند. نارخو و همکاران در مطالعه‌ای بر اساس سند تحول بنیادین نشان دادند که تحقق مدارس شاد نیازمند مدیریت راهبردی و سیاست‌گذاری دقیق در سطح کلان و خرد است (Narkho et al., 2024). به همین ترتیب، اوگوچوکو و همکاران نیز بر این باورند که بدون مدیریت اثربخش، هیچ نظام آموزشی قادر نخواهد بود پاسخگوی نیازهای روزافزون جامعه باشد (Ugochukwu et al., 2021). در سطح سیاست‌گذاری آموزشی، ایوانجلیستا نیز به چالش‌های تمرکزگرایی و عدم تمرکز در نظام‌های آموزشی اشاره می‌کند و معتقد است که الگوهای تمرکززدایی می‌توانند استقلال مدارس را افزایش داده و زمینه تحقق شادی مدرسه‌ای را فراهم کنند (Evangelista, 2020).

از منظر فرهنگی و اجتماعی، مطالعات متعددی به اهمیت بومی‌سازی مفهوم شادی در مدرسه پرداخته‌اند. بهرامیان و همکاران با تأکید بر عناصر فرهنگی ایرانی - اسلامی، نشان دادند که شادی در مدرسه باید هم با ارزش‌های بومی سازگار باشد و هم پاسخگوی نیازهای جهانی دانش‌آموزان (Bahramian et al., 2020). همچنین، شریفی و شریفی نیز با تمرکز بر مدارس ابتدایی، شاخص‌هایی همچون روابط انسانی مثبت، برنامه‌های هنری و ورزشی و محیط فیزیکی جذاب را به‌عنوان عناصر اصلی مدرسه شاد معرفی کردند (Sharifi & Sharifi, 2016). از سوی دیگر، پژوهش‌های برون‌مرزی نیز مؤید آن هستند که شادی مدرسه‌ای پدیده‌ای چندبعدی است. برای مثال، وو و همکاران نشان دادند که سبک‌های طنز معلمان و درک دانش‌آموزان از تعامل صمیمانه با معلمان، بر کیفیت تعاملات و رضایت دانش‌آموزان از مدرسه تأثیرگذار است (Wu et al., 2022). در همین راستا، اوگوچوکو و همکاران نیز با بررسی مدیریت مدارس در نیجریه تأکید کردند که چالش‌های مدیریتی، ضعف منابع و فقدان برنامه‌ریزی اثربخش می‌تواند مانع تحقق محیط‌های شاد و کارآمد شود (Ugochukwu et al., 2021). چالش دیگر در تحقق مدرسه شاد، کمبود منابع مالی و آموزشی است. فیلاده در پژوهش خود درباره آموزش مهندسی در آفریقا، نشان داد که محدودیت منابع یکی از موانع اساسی در دستیابی به کیفیت آموزشی مطلوب است (Felade, 2018). این یافته را می‌توان به نظام آموزشی ایران نیز تعمیم داد، چرا که محدودیت منابع مالی و انسانی در کنار پیچیدگی‌های فرهنگی، مانع از اجرای کامل برنامه‌های شادی‌آفرین در مدارس می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که مدرسه شاد، پدیده‌ای چندبعدی و میان‌رشته‌ای است که به تلفیق شاخص‌های روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و آموزشی نیاز دارد. از یک‌سو، مطالعات داخلی به اهمیت هم‌راستایی مدارس شاد با ارزش‌های ایرانی - اسلامی اشاره دارند (Bahramian, 2021; Dehghani, 2018) و از سوی دیگر، پژوهش‌های خارجی بر نوآوری، مشارکت، مدیریت اثربخش و تعاملات انسانی تأکید می‌کنند (Egeberg et al., 2024; Gramaxo, 2023; Wu et al., 2022). بنابراین، ترکیب این دو رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز ارائه مدلی جامع از مدارس شاد در ایران باشد.

با وجود پیشرفت‌های پژوهشی، هنوز خلأهایی در زمینه شناسایی شاخص‌های جامع اثربخشی مدارس شاد در چارچوب سند تحول بنیادین وجود دارد. بسیاری از مطالعات صرفاً بر یک بعد خاص تمرکز داشته و کمتر پژوهشی به‌طور همزمان به ابعاد روان‌شناختی، آموزشی، محیطی، فرهنگی و مدیریتی پرداخته است. همچنین، نیاز به بررسی میدانی و سنجش تجربی این شاخص‌ها در سطح مدارس کشور احساس می‌شود. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در استان مازندران انجام شده است.

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا نتایج حاصل از آن می‌تواند در جهت ارتقای اثربخشی مدارس شاد در آموزش و پرورش استان مازندران مورد استفاده قرار گیرد. از نظر ماهیت داده‌ها، طرح پژوهش به صورت آمیخته (کیفی-کمی) انجام می‌شود. در بخش کیفی، از روش اکتشافی با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و مدل نظام‌مند اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) بهره گرفته شده است. در بخش کمی، پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است. در این مرحله، با مرور دقیق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوبات اجرایی مدارس و برنامه‌های ملی، همچنین بررسی متون علمی داخلی و خارجی و پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با اثربخشی مدارس شاد، چارچوب نظری تحقیق تدوین گردید. این بررسی‌ها با رویکرد سیستمی انجام شد تا ضمن شناسایی شکاف‌های دانشی، بنیان نظری لازم برای طراحی پرسش‌ها و انجام مصاحبه‌های کیفی فراهم شود. در این مرحله، جامعه آماری شامل خبرگان آموزش و پرورش بود که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و معیارمحور انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت در آموزش رسمی کشور، تجربه مدیریتی یا پژوهشی مرتبط با برنامه‌های مدرسه‌محور و نشاط‌آفرین، آشنایی با مفاد سند تحول بنیادین، و تمایل به مشارکت فعال در مصاحبه بود. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) مطابق مدل اشتراوس و کوربین تحلیل شد. جهت سازمان‌دهی و مدیریت داده‌های کیفی، نرم‌افزار مکس کیودا به کار رفت. خروجی این مرحله شامل شناسایی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی اثربخشی مدارس شاد بود که مبنای طراحی ابزار کمی قرار گرفت. در این مرحله، پرسشنامه‌ای بر اساس یافته‌های بخش کیفی و چارچوب نظری پژوهش طراحی گردید. جامعه آماری این بخش شامل کلیه معلمان و مدیران مدارس استان مازندران بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد و نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب انجام گرفت. روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظر خبرگان و روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. پایایی ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ارزیابی گردید. تحلیل داده‌های کمی با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی، و با استفاده از نرم‌افزارهای اس پی اس اس و اسمارت پی ال اس انجام شد. جامعه آماری بخش کیفی این پژوهش، خبرگان حوزه آموزش و پرورش بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و با رویکرد معیارمحور انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: برخورداری از حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت در حوزه آموزش رسمی کشور؛ داشتن تجربه مدیریتی یا پژوهشی مرتبط با برنامه‌های مدرسه‌محور و نشاط‌آفرین؛ آشنایی و تسلط کامل بر مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مصوبات اجرایی مدارس؛ تمایل و امکان مشارکت فعال در فرآیند مصاحبه و ارائه اطلاعات معتبر.

به منظور دستیابی به غنای داده‌ها و پوشش حداکثری دیدگاه‌ها، تنوع مشارکت‌کنندگان مدنظر قرار گرفت. بدین منظور، ترکیبی از اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان و سایر دانشگاه‌ها، مدیران باسابقه مدارس، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی، روان‌شناسان تربیتی و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت انتخاب شدند. ویژگی مشترک این افراد، داشتن آثار و فعالیت‌های شاخص در زمینه شادکامی و زمینه‌های شادی در نظام آموزشی، شامل تألیف کتاب، اجرای طرح‌های پژوهشی و راهنمایی یا مشاوره رساله‌های دکتری، بود. این تنوع ساختاری و محتوایی موجب شد ابعاد مختلف موضوع از منظرهای علمی و عملی گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و در بخش کمی کلیه مدیران و معلمان مدارس ابتدایی خواهند بود که بر اساس فرمول کوکران برای جامعه نامشخص و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با جنسیت انتخاب می‌شوند.

در راستای غنی‌سازی مبانی نظری پژوهش و شکل‌دهی یک پیشینه پژوهشی جامع، از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. این روش شامل بررسی و تحلیل دقیق منابع علمی موجود (کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و اسناد مرتبط) در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی آنلاین معتبر بود. هدف از این اقدام، جمع‌آوری دیدگاه‌های صاحب‌نظران، شناسایی پژوهش‌های پیشین انجام‌شده در این زمینه، و در نهایت، ارائه بستری مناسب برای انجام پژوهش حاضر بود. در فاز کیفی این پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها به کار

گرفته شد. پیش از آغاز مصاحبه‌های انفرادی، پرسشنامه‌ای حاوی سؤالات اصلی تدوین گردید، اما در حین مصاحبه، با طرح سؤالات فرعی و پیگیرانه، تلاش می‌شد تا درک عمیق‌تری از تجارب و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان حاصل شود. به منظور اطمینان از صحت تفسیر داده‌ها، پژوهشگر در طول مصاحبه، با طرح سؤالات راهنما و بازخوردگیری از مصاحبه‌شوندگان، برداشت خود را مورد ارزیابی قرار می‌داد. همچنین، در فرآیند نمونه‌گیری، داده‌های جمع‌آوری‌شده به طور مداوم تحلیل می‌شد و در صورت شناسایی کاستی‌ها، با انجام مصاحبه‌های تکمیلی، اطلاعات لازم از شرکت‌کنندگان جدید اخذ می‌گردید. پس از انجام 10 مصاحبه، مشاهده شد که مضامین اصلی و فرعی در مصاحبه‌های قبلی به طور مکرر تکرار می‌شوند و دیگر اطلاعات جدیدی حاصل نمی‌شود. در این نقطه، پژوهشگر به اشباع نظری دست یافت و فرآیند مصاحبه متوقف گردید، چرا که داده‌های کافی برای پاسخ به سؤالات پژوهش جمع‌آوری شده بود. ویژگی‌های خبرگان پژوهش که به تأیید اساتید راهنما و مشاور رسیده بود، افرادی بودند که از نظر آگاهی و اطلاعات در این زمینه برجسته بوده و این که بتوانند با ارائه اطلاعات دقیق نمادی از جامعه باشند. در حین مصاحبه به جمع‌آوری نظرات در مورد شاخص‌های مناسب برای اثربخشی مدارس شاد در آموزش و پرورش استان مازندران پرداخته و عوامل اصلی و فرعی مورد نظر بررسی و نهایی شد. مدت زمان انجام مصاحبه بین ۵۵ تا ۸۵ دقیقه بود. در گام دوم و در بخش کمی پژوهش، با تکیه بر معیارهای استخراج‌شده از مرحله کیفی، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته برای سنجش متغیر اثربخشی مدارس شاد تدوین گردید. این پرسشنامه به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای تحلیل‌های آماری و پاسخ به سؤالات پژوهش طراحی شده است.

در بخش کیفی پژوهش حاضر، به منظور شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های اثربخشی مدارس شاد مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ترکیبی (شامل پرسش‌های باز و بسته) به عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها استفاده شد. این نوع مصاحبه امکان تعمیق در پاسخ‌ها و استخراج دیدگاه‌های دقیق مشارکت‌کنندگان را فراهم می‌آورد و همزمان، داده‌های قابل مقایسه میان شرکت‌کنندگان نیز تولید می‌کند. راهنمای مصاحبه بر اساس مرور ادبیات موضوع، تحلیل اسناد بالادستی (به ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و اهداف پژوهش تدوین شد. پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی شدند که ضمن ایجاد فضای باز برای بیان دیدگاه‌ها، مسیر مصاحبه را در راستای اهداف پژوهش هدایت کنند. برای تضمین روایی محتوا، راهنمای مصاحبه توسط سه نفر از خبرگان حوزه آموزش و پرورش و روان‌شناسی تربیتی بازبینی و اصلاح شد. پس از انجام تحلیل‌های کیفی و استخراج مؤلفه‌ها و ابعاد کلیدی اثربخشی مدارس شاد، به منظور ارتقاء اعتبار و اعتمادپذیری داده‌ها، فرایند اعتبارسنجی و پایایی داده‌های کیفی به طور نظام‌مند انجام شد. این مرحله با هدف اطمینان از دقت تفسیر داده‌ها، جامعیت مؤلفه‌ها و همسویی آن‌ها با واقعیت میدانی و چارچوب نظری پژوهش طراحی گردید. برای ارتقاء روایی داده‌ها، روش‌های زیر به کار گرفته شد:

اعتبار درون‌متنی (اعتبار منطقی): بازخوانی و بررسی مستمر داده‌ها توسط پژوهشگر و دریافت بازخورد از اعضای تیم پژوهشی انجام شد تا انسجام مفهومی و صحت طبقه‌بندی کدها و مؤلفه‌ها تضمین گردد. همچنین، مفاهیم استخراج‌شده در جلسات مشاوره و نقد با اساتید راهنما و مشاوران مورد بررسی و اصلاح قرار گرفتند.

اعتبار برون‌متنی (اعتبار توصیفی): داده‌ها از طریق بازخورد مستقیم خبرگان حوزه آموزش و پرورش و سایر ذی‌نفعان مورد ارزیابی قرار گرفتند تا از کامل بودن مؤلفه‌ها و وضوح مفاهیم اطمینان حاصل شود.

اعتبار سازه‌ای: تحلیل تطبیقی میان یافته‌های کیفی و اسناد بالادستی (به ویژه سند تحول بنیادین) انجام شد تا اطمینان حاصل شود که مؤلفه‌های استخراج‌شده با چارچوب نظری پژوهش و اهداف سند هم‌راستا هستند.

برای تضمین اعتمادپذیری و قابلیت بازتولید داده‌ها: فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت مستقل توسط دستیار پژوهشگر یا همکار خبره دیگری بازبینی شد و میزان توافق در طبقه‌بندی کدها و مؤلفه‌ها سنجیده شد. تمامی اسناد، یادداشت‌های پژوهشی و شواهد گردآوری‌شده به صورت مستند و دقیق ثبت گردید تا امکان بازبینی و کنترل صحت داده‌ها فراهم شود. این فرایند اعتبارسنجی و پایایی نشان‌دهنده رعایت

دقیق اصول روش تحقیق کیفی، دقت در تحلیل داده‌ها و توجه به همسویی مفهومی با چارچوب نظری و سند تحول بنیادین است و اطمینان می‌دهد که داده‌ها برای طراحی ابزار سنجش کمی و مراحل بعدی پژوهش قابل اعتماد هستند.

الف) روایی صوری: جهت تایید روایی صوری، پرسش نامه‌ها در اختیار خبرگان و اساتید فن قرار گرفته و از آنان نظرخواهی شد. به این ترتیب تغییراتی در نحوه نگارش، جمله بندی و ویرایش املائی انجام پذیرفت و تعدادی سوال نیز از پرسش نامه حذف شدند. **ب) روایی محتوایی:** روایی محتوایی به تحلیل منطقی محتوای یک آزمون بستگی داشته و تعیین آن بر اساس قضاوت ذهنی و فردی است. برای بررسی روایی محتوایی آزمون به دو شیوه عمل شد:

شاخص نسبت روایی محتوایی^۱ (CVR): این شاخص توسط لاوشه طراحی شده است. جهت محاسبه این شاخص از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای آزمون مورد نظر استفاده می‌شود و با توضیح اهداف آزمون برای آن‌ها و ارائه تعاریف عملیاتی مربوط به محتوای سؤالات به آن‌ها، از آن‌ها خواسته می‌شود تا هریک از سؤالات را بر اساس طیف سه بخشی لیکرت «گویه ضروری است»، «گویه مفید است ولی ضروری نیست» و «گویه ضرورتی ندارد» طبقه بندی کنند.

شاخص روایی محتوایی^۲ (CVI): جهت بررسی شاخص روایی محتوا از روش والتز و باسل^۳ استفاده می‌شود. بدین صورت که متخصصان «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» هر گویه را بر اساس یک طیف لیکرتی^۴ قسمتی مشخص می‌کنند. متخصصان مربوط بودن هر گویه را از نظر خودشان از ۱ «مربوط نیست»، ۲ «نسبتاً مربوط است»، ۳ «مربوط است»، تا ۴ «کاملاً مربوط است» مشخص می‌کنند. ساده بودن گویه نیز به ترتیب از ۱ «ساده نیست»، ۲ «نسبتاً ساده است»، ۳ «ساده است»، تا ۴ «ساده مربوط است» و واضح بودن گویه نیز به ترتیب از ۱ «واضح نیست»، ۲ «نسبتاً واضح است»، ۳ «واضح است»، تا ۴ «واضح مربوط است» مشخص می‌شود. حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI گویه‌ای کمتر از ۰/۷۹ باشد آن گویه بایستی حذف شود.

ج) روایی سازه: برای روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده شد.

تحلیل داده‌های کیفی این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) انجام گرفت. انتخاب این رویکرد به دلیل ماهیت اکتشافی پژوهش و ضرورت استخراج الگوهای مفهومی از داده‌های میدانی صورت پذیرفت. فرآیند تحلیل داده‌ها با روش مقایسه مستمر در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. ابتدا داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته حضوری با خبرگان آموزش و پرورش که به روش هدفمند انتخاب شده بودند، گردآوری شد. کلیه مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان ضبط و سپس به صورت کامل و واژه‌به‌واژه رونویسی گردید.

پس از گردآوری، کلیه متون مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی در نرم‌افزار مکس کیودا وارد و سازماندهی شد. در مرحله کدگذاری باز، داده‌ها خط‌به‌خط بررسی و مفاهیم اولیه شناسایی و برچسب گذاری گردید. مفاهیم مشابه ادغام و موارد تکراری حذف شد تا مجموعه‌ای از کدهای متمرکز شکل گیرد. در مرحله کدگذاری محوری، کدها بر اساس روابط علی، زمینه‌ای، راهبردی و پیامدی در قالب مقولات محوری دسته‌بندی شد. در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی، یک مقوله هسته‌ای تعیین و سایر مقولات در ارتباط نظام‌مند با آن سازمان‌دهی گردید. نرم‌افزار مکس کیودا در تمامی مراحل تحلیل به منظور مدیریت داده‌ها، اجرای کدگذاری ساختاریافته، ترسیم شبکه‌های مفهومی و تهیه گزارش‌های تحلیلی مورد استفاده قرار گرفت. در بخش کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است:

در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار، نمودار و جدول استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شد و برای بررسی سوال‌های پژوهش از آزمون‌های تحلیل عاملی

^۱. content validity ratio

^۲. content validity index

^۳ Waltz & Bausell

تاییدی و معادلات ساختاری استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و PLS استفاده می‌شود و سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه گیری ۵٪ در نظر گرفته می‌شود.

یافته‌ها

در راستای شناسایی شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد در چارچوب اهداف و مأموریت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، این پژوهش از رویکرد کیفی نظریه داده‌بنیاد با بهره‌گیری از روش نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۸) استفاده کرده است. هدف اصلی، استخراج شاخص‌هایی است که مدارس را به محیطی با نشاط، یادگیرنده‌محور، تربیت‌مدار و منطبق بر ساحت‌های شش‌گانه تربیتی تعریف‌شده در سند تحول بنیادین، تبدیل نماید. برای غنای داده‌ها و دستیابی به اشیاع نظری، اطلاعات از سه منبع عمده گردآوری شد:

۱. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با گروهی از ذی‌نفعان شامل معلمان، مدیران، مشاوران تربیتی، کارشناسان آموزش، والدین و نمایندگان حوزه سند تحول بنیادین؛
۲. بررسی اسناد بالادستی شامل متن سند تحول بنیادین، برنامه‌های اجرایی آن، شیوه‌نامه‌های مرتبط با مدارس شاد، و دستورالعمل‌های رسمی آموزش و پرورش؛
۳. مشاهده میدانی در برخی مدارس دولتی و غیردولتی که تجربه پیاده‌سازی برنامه‌های فرهنگی و آموزشی شادسازی را در کارنامه خود داشته‌اند.

➤ کدگذاری باز: استخراج مفاهیم اولیه

در نخستین گام از فرایند تحلیل داده‌ها، کلیه اطلاعات گردآوری‌شده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مطالعه اسناد و متون بالادستی، و مشاهدات میدانی، به‌طور کامل پیاده‌سازی، بازخوانی و مرور چندمرحله‌ای گردید. هدف در این مرحله، شکستن داده‌های خام به واحدهای معنایی کوچک‌تر و استخراج مفاهیم پایه‌ای بود که بتوانند به‌عنوان اجزای سازنده نظریه نهایی عمل کنند.

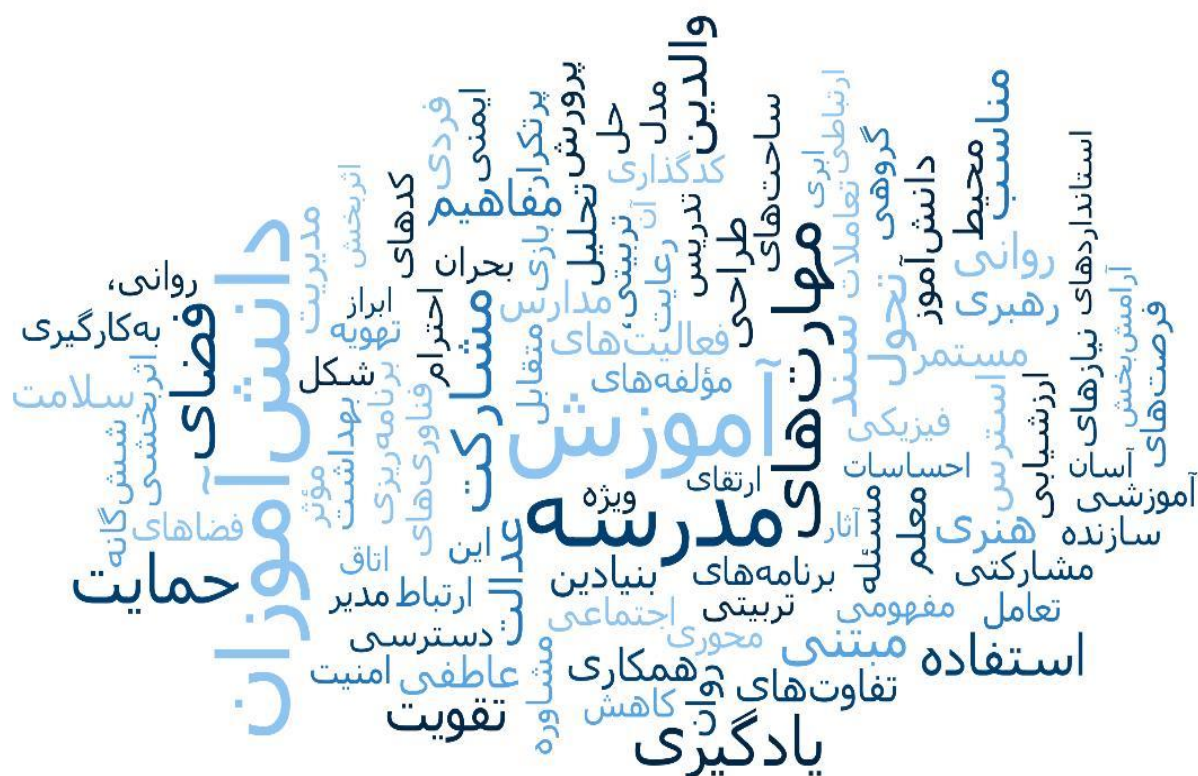
بدین منظور، هر بخش از داده‌ها به‌طور خط به خط و حتی عبارت به عبارت مورد بررسی قرار گرفت و کدهای اولیه بر اساس شباهت معنایی یا اهمیت محتوایی تعیین گردید. این کدها در واقع برچسب‌هایی بودند که برای نام‌گذاری بخش‌های معنادار متن استفاده شدند و توانستند مفاهیم کلیدی مرتبط با «شادابی»، «اثربخشی» و «مدرسه مطلوب» را بازنمایی کنند. به‌عنوان نمونه، در بخش مصاحبه‌ها، جملاتی نظیر «بچه‌ها وقتی حس کنند که مهم هستند، با انگیزه به مدرسه می‌آیند» یا «وقتی فضای مدرسه خاکستری است، انرژی دانش‌آموزان پایین می‌آید» هر کدام به استخراج مفاهیمی چون عزت‌نفس، احساس ارزشمندی، فضای فیزیکی انگیزه‌بخش و تأثیر محیط بر هیجان یادگیری منجر شد. در مطالعه اسناد بالادستی نیز گزاره‌هایی همچون «توسعه همه‌جانبه ساحت‌های تربیتی» یا «ایجاد محیط‌های یادگیری پویا» به مفاهیمی چون عدالت تربیتی، یادگیری فعال و نوآوری آموزشی کدگذاری گردید. پس از این مرحله، بانک اولیه‌ای شامل بیش از ۳۴۰ مفهوم خام شکل گرفت. این مفاهیم در ادامه تحت یک فرایند پالایش و کاهش داده‌ها قرار گرفتند که در آن، موارد دارای هم‌پوشانی معنایی در یکدیگر ادغام شده، اصطلاحات مبهم با واژگان دقیق‌تر جایگزین گردید و موارد تکراری یا فاقد ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش حذف شدند. فرایند پالایش بر اساس معیارهایی همچون:

- ارتباط مستقیم با اهداف پژوهش (سنجش اثربخشی مدارس شاد)
- تطابق با چارچوب مفهومی سند تحول بنیادین
- قابلیت سنجش یا تبدیل به شاخص عملیاتی

- پوشش‌دهی ابعاد مختلف شادکامی و اثربخشی

انجام شد. در نتیجه این غربالگری نظام‌مند، فهرست مفاهیم اولیه به ۷۳ کد متمرکز کاهش یافت که هر یک بیانگر یک شاخص کلیدی برای تبیین اثربخشی مدارس شاد بودند. این ۷۳ شاخص متمرکز، در عین اختصار، توانستند غنای مفهومی مرحله کدگذاری باز را حفظ کرده و شالوده نظری مستحکمی برای ورود به مراحل بعدی تحلیل (کدگذاری محوری و انتخابی) فراهم آورند. از منظر نظریه داده‌بنیاد، این مرحله حکم «استخراج مواد خام» را داشت که در گام‌های بعدی به ساختار و مدل نهایی پژوهش شکل خواهد داد.

تحلیل بسامد واژگان و مفاهیم پرتکرار در مصاحبه‌ها و اسناد، نشان داد که واژگانی چون شادکامی، سلامت روان، خلاقیت، مهارت‌های زندگی، تعامل معلم و دانش‌آموز، مشارکت خانواده، عدالت آموزشی، عزت‌نفس، نشاط، انگیزش و عدالت تربیتی، بیشترین تکرار و بار معنایی را در ذهنیت مشارکت‌کنندگان داشتند. این مفاهیم به‌عنوان مؤلفه‌های محوری در تعریف مدرسه شاد اثربخش نقش ایفا کردند.



شکل ۱. نمودار ابری واژگان پرتکرار در داده‌های پژوهش

نمونه‌هایی از شاخص‌های استخراج‌شده (کدهای متمرکز) همراه با گزاره‌های مصاحبه‌ای در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های استخراج‌شده همراه با گزاره‌های برگرفته از مصاحبه‌ها

شاخص استخراج‌شده	گزاره برگرفته از مصاحبه‌ها
تقویت عزت‌نفس و احساس ارزشمندی در دانش‌آموزان	وقتی دانش‌آموز حس کند که وجودش در مدرسه ارزشمند است و نظر و توانایی‌هایش دیده می‌شود، انگیزه بیشتری برای یادگیری پیدا می‌کند. ما در مدرسه تجربه کردیم که حتی یک جمله‌ی ساده مثل "آفرین، ایده‌ات عالی بود" می‌تواند چهره‌ی بچه را روشن کند و باعث شود فردا با اشتیاق بیشتری به کلاس بیاید. (مصاحبه‌شونده ۶)
مشارکت فعال خانواده در امور مدرسه	وقتی اولیا فقط تماشاچی نباشند و نقش فعالی در برنامه‌های مدرسه داشته باشند، جو مدرسه زنده‌تر و پرنرژی‌تر می‌شود. مثلاً وقتی والدین در کارگاه‌ها، جشن‌ها یا حتی تصمیم‌گیری‌های آموزشی مشارکت می‌کنند، بچه‌ها احساس می‌کنند مدرسه و خانه‌شان به هم نزدیک شده‌اند و برای پیشرفتشان همدل هستند. (مصاحبه‌شونده ۱)

کلاسی که فقط معلم در آن صحبت کند و بچه‌ها فقط شنونده باشند، نمی‌تواند محیط شادی ایجاد کند. تنوع و انعطاف در روش‌های تدریس باید روش‌های متنوعی مثل بازی‌های آموزشی، کار گروهی و پروژه‌های عملی استفاده شود تا دانش‌آموزان هم نقش‌آفرینی کنند و یادگیری برایشان تجربه‌ای لذت‌بخش باشد. (مصاحبه‌شونده ۵)	
وقتی محیط مدرسه بی‌روح و خاکستری باشد، حتی شادترین بچه‌ها هم کم‌انرژی می‌شوند. ما وقتی حیاط و کلاس‌ها را با رنگ‌های شاد، نقاشی‌های دیواری و گلدان‌های کوچک تزئین کردیم، دیدیم که دانش‌آموزان نه تنها شادتر شدند، بلکه بیشتر هم مراقب تمیزی و نظم مدرسه بودند. (مصاحبه‌شونده ۳)	فضای فیزیکی رنگارنگ و دل‌نشین
یک معلم شاد و صمیمی می‌تواند فضای کلاس را از حالت خشک و رسمی خارج کند و بچه‌ها را به مشارکت فعال تشویق نماید. مثلاً وقتی معلم با لبخند وارد کلاس شود و گاهی از تجربیات شخصی یا شوخی‌های سالم استفاده کند، کلاس تبدیل به جایی می‌شود که دانش‌آموزان برای آمدن به آن لحظه‌شماری می‌کنند. (مصاحبه‌شونده ۲)	ارتباط صمیمانه معلم و دانش‌آموز
هنر و ورزش نفس تازه‌ای به بچه‌ها می‌دهند و باعث می‌شوند با انرژی بیشتری به درس بپردازند. ما متوجه شدیم روزهایی که کلاس موسیقی یا ورزش برگزار می‌شود، دانش‌آموزان حتی در کلاس‌های ریاضی و علوم هم فعال‌تر و با انگیزه‌تر هستند. (مصاحبه‌شونده ۷)	برنامه‌های هنری و ورزشی منظم
شاد بودن دانش‌آموزان فقط به برنامه‌های سرگرم‌کننده نیست؛ باید حس کنند که عدالت برقرار است، تبعیضی وجود ندارد و همه به یک اندازه دیده می‌شوند. اگر این حس در مدرسه شکل بگیرد، حتی دانش‌آموزانی که در درس ضعیف‌ترند هم با اشتیاق در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند. (مصاحبه‌شونده ۹)	رعایت عدالت تربیتی در برخوردها

مجموعه شاخص‌های شناسایی‌شده، بنیان نظری و تجربی محکمی برای طراحی ابزار کمی پژوهش (پرسشنامه) و نیز مدل مفهومی اثربخشی مدارس شاد فراهم ساختند. این شاخص‌ها محصول ترکیب داده‌های میدانی، تحلیل کیفی عمیق و بررسی دقیق اسناد بالادستی بوده و بازتاب‌دهنده‌ی ذهنیت و تجارب واقعی ذی‌نفعان نظام آموزشی هستند. تحلیل محتوا و بسامد مفاهیم نشان داد که برداشت مشارکت‌کنندگان از مدرسه شاد اثربخش، عمدتاً حول محورهای زیر متمرکز است:

- سلامت روانی و هیجانی دانش‌آموزان
- فضای فیزیکی مطلوب و انگیزه‌بخش
- فرایند تدریس خلاق، متنوع و مشارکتی
- روابط انسانی مثبت میان معلم، دانش‌آموز و والدین
- برنامه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی مستمر
- مشارکت مؤثر والدین در فرآیند مدرسه
- عدالت آموزشی و تربیتی
- رهبری آموزشی الهام‌بخش و حامی

جدول (۲) فهرست کامل کدهای باز (متمرکز) را ارائه می‌دهد که مبنای طراحی سیاست‌های اجرایی توسعه مدارس شاد در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

جدول ۲. کدگذاری باز (متمرکز) اثربخشی مدارس شاد مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

کدگذاری باز (مفاهیم اولیه)

احساس امنیت روانی در مدرسه - کاهش اضطراب و استرس - ارتقای خودباوری - افزایش عزت نفس - حمایت روان‌شناختی مستمر - آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان - تقویت تاب‌آوری دانش‌آموزان - ایجاد فضای ابراز احساسات - شناسایی به موقع مشکلات روانی - برنامه‌های مشاوره فردی و گروهی - فعالیت‌های نشاط‌آور در مدرسه - توجه به تفاوت‌های عاطفی دانش‌آموزان - آموزش مهارت‌های حل مسئله - حمایت از دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه - فرهنگ‌سازی مراقبت از سلامت روان - کاهش تنبیه و فشار روانی - آموزش مهارت‌های مقابله با استرس - ایجاد شبکه حمایتی میان دانش‌آموزان - تقویت ارتباط معلم-دانش‌آموز برای حمایت عاطفی - توجه به سلامت روان والدین و تأثیر آن بر دانش‌آموز - طراحی رنگ‌آمیزی شاد و متناسب با سن - وجود فضاهای بازی و تفریح سالم - تأمین ایمنی تجهیزات مدرسه

- فضای باز و نورگیر مناسب - تهویه و دمای مطلوب کلاس‌ها - تمیزی و بهداشت محیط - تزئین دیوارها با آثار هنری دانش‌آموزان - استفاده از فضای سبز و گلکاری - طراحی کلاس‌های انعطاف‌پذیر - دسترسی آسان به سرویس‌های بهداشتی - مبلمان مناسب و راحت - ایجاد فضای استراحت دانش‌آموزان - به‌کارگیری نمادهای شادی‌آفرین در فضا - محیط آرامش‌بخش برای مطالعه - رعایت استانداردهای معماری آموزشی - امنیت فیزیکی و کنترل ورود و خروج - تجهیز سالن ورزشی و فضای فعالیت بدنی - ایجاد فضاهای هنری (اتاق موسیقی، نقاشی) - استفاده از فناوری‌های محیطی (نور، صدا) - دسترسی مناسب برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه - استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی - یادگیری مبتنی بر بازی - آموزش پروژه‌محور - استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی - یادگیری مبتنی بر حل مسئله - تنوع در شیوه‌های تدریس - فراهم کردن فرصت‌های خلاقیت - ارزشیابی توصیفی و تشویقی - یادگیری گروهی و همکاری دانش‌آموزان - توجه به تفاوت‌های فردی در یادگیری - بازخورد مستمر و سازنده - ایجاد انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان - به‌کارگیری داستان‌سرایی در تدریس - طراحی فعالیت‌های هنری در کلاس - ایجاد محیط یادگیری بدون استرس - ترکیب فعالیت‌های جسمی و ذهنی - آموزش مهارت‌های زندگی همراه با دروس - ایجاد فرصت‌های مشارکت دانش‌آموز در طرح درس - آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی - تشویق یادگیری مستقل و خودگردان - ایجاد رابطه مثبت معلم و دانش‌آموز - تقویت همکاری و همدلی میان دانش‌آموزان - ایجاد فضای احترام متقابل - تعامل صمیمانه کارکنان مدرسه - مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه - ارتباط مؤثر مدیر با معلمان و دانش‌آموزان - مدیریت تعارض به صورت سازنده - ایجاد فرهنگ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری - تقویت اعتماد در بین اعضای مدرسه - آموزش مهارت‌های ارتباطی - حمایت متقابل دانش‌آموزان در بحران‌ها - ایجاد فرصت برای بیان دیدگاه‌های دانش‌آموزان - همکاری خانواده‌ها با مدرسه - مشارکت والدین در برنامه‌های مدرسه - آموزش والدین درباره حمایت روانی و تربیتی - تقویت حس تعلق والدین به مدرسه - دعوت والدین به جلسات مشاوره و هم‌اندیشی - احترام به تفاوت‌های فردی و فرهنگی - استفاده از ظرفیت خیرین و جامعه محلی - سبک رهبری مشارکتی مدیر مدرسه - برنامه‌ریزی هدفمند برای نشاط مدرسه - پوشش اهداف ساحت‌های شش‌گانه سند تحول - رعایت عدالت تربیتی و آموزشی - رشد مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت و خودبیانگری - افزایش انگیزش تحصیلی - تقویت تعامل مثبت دانش‌آموز-معلم - بروز تربیت همه‌جانبه در برنامه‌ها - رضایت و شادی دانش‌آموزان از حضور در مدرسه - افزایش مشارکت در فعالیت‌ها - کاهش غیبت و ترک تحصیل

کدگذاری محوری نشان داد که شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد در قالب هشت مقوله محوری دسته‌بندی می‌شوند که هر یک تحت تأثیر شرایط علی (مانند فشار تحصیلی، ضعف مدیریت یا فرسودگی محیط مدرسه) شکل می‌گیرند. این مقولات در بستر شرایط زمینه‌ای نظیر فرهنگ مدرسه، نگرش والدین و سیاست‌های کلان آموزشی، معنا می‌یابند و در عین حال با شرایط مداخله‌گر همچون محدودیت منابع مالی یا فشارهای بوروکراتیک تحت تأثیر قرار می‌گیرند. راهبردهای پیشنهادی از جمله آموزش مهارت‌های تاب‌آوری، به‌کارگیری روش‌های تدریس مشارکتی، بازطراحی فضاهای آموزشی، تقویت ارتباط خانه و مدرسه و اعمال رهبری مشارکتی، می‌توانند به پیامدهایی چون کاهش اضطراب، افزایش تعلق به مدرسه، ارتقای عدالت آموزشی، شکوفایی استعدادها و نهایتاً پایداری شادی در مدارس منجر شوند. به این ترتیب، کدگذاری محوری چارچوبی منسجم برای تبیین روابط میان ابعاد مختلف شادی مدرسه‌ای و شرایط تحقق آن در چارچوب سند تحول بنیادین فراهم ساخت.

جدول ۳. کدگذاری محوری اثربخشی مدارس شاد مبتنی بر سند تحول بنیادین

پیامدها	راهبردها	شرایط مداخله‌گر	شرایط زمینه‌ای	شرایط علی	مقوله محوری
کاهش استرس، افزایش انگیزه، رشد عزت‌نفس	اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های زندگی و تاب‌آوری	منابع ناکافی خدمات روان‌شناختی	وجود مشاوران مدرسه و حمایت خانواده	فشارهای تحصیلی، اضطراب امتحان	سلامت روان و هیجان
یادگیری عمیق‌تر، افزایش شادکامی و خلاقیت	استفاده از روش‌های مشارکتی، پروژه‌محور و بازی‌محور	سیاست‌های آموزشی متمرکز	فرهنگ مدرسه و آمادگی معلمان برای نوآوری	تکرار روش‌های سنتی، بی‌انگیزگی دانش‌آموزان	روش‌های تدریس خلاق
افزایش تعلق به مدرسه، بهبود کیفیت یادگیری	بازطراحی فضاهای آموزشی، رنگ‌آمیزی و ایجاد محیط سبز	محدودیت منابع مالی	بودجه و حمایت مدیریت آموزش و پرورش	محیط فرسوده مدارس، کمبود امکانات	فضای فیزیکی ایمن و جذاب
بهبود تعاملات، افزایش حس تعلق و امنیت عاطفی	تقویت ارتباط صمیمانه، ترویج احترام متقابل و همکاری گروهی	تنش‌های سازمانی	هنجارهای فرهنگی و اجتماعی	شکاف میان معلم و دانش‌آموز	روابط انسانی مثبت
افزایش نشاط، تقویت استعدادهای فردی و اجتماعی	گنجاندن هنر و ورزش در برنامه آموزشی، جشنواره‌ها و مسابقات	محدودیت زمانی در برنامه رسمی	دسترسی به فضاها و مربیان تخصصی	کمبود ساعات فوق‌برنامه برنامه‌های هنری و ورزشی	برنامه‌های هنری و ورزشی

همسویی اهداف خانه و مدرسه، ارتقای حمایت اجتماعی	تشکیل انجمن‌های اولیا و مربیان، برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های مشترک	مشغله‌های اقتصادی و اجتماعی والدین و آموزش	نگرش والدین به مدرسه و آموزش	ضعف در ارتباط خانه و مدرسه	مشارکت خانوادگی
افزایش رضایت دانش‌آموزان، مشارکت بیشتر گروه‌های محروم	ارائه فرصت‌های برابر آموزشی، کاهش تبعیض در ارزیابی و امکانات	تفاوت‌های طبقاتی و منطقه‌ای	سیاست‌های عدالت‌محور	احساس نابرابری در فرصت‌های آموزشی	عدالت تربیتی
پایداری و نهادینه‌سازی شادی در مدرسه، ارتقای کیفیت سازمانی	رهبری مشارکتی، مدیریت راهبردی و همسو با سند تحول بنیادین	فشارهای بوروکراتیک	صلاحیت و مدیریت	ضعف مدیریتی و تمرکز بر امور اداری	رهبری اثربخش مدرسه

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شاخص‌های اثربخشی مدارس شاد در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجموعه‌ای چندبعدی شامل ابعاد روان‌شناختی، آموزشی، محیطی، فرهنگی و مدیریتی را دربرمی‌گیرد. این نتایج بیانگر آن است که نگاه تک‌بعدی به مقوله شادی در مدارس، قادر به تبیین اثربخشی این نهادهای آموزشی نیست و تنها در پرتو رویکردی جامع‌نگر می‌توان تصویری واقعی از مدرسه شاد ارائه داد. یافته‌ها نشان دادند سلامت روانی و هیجانی دانش‌آموزان، وجود فضای فیزیکی ایمن و جذاب، به‌کارگیری روش‌های تدریس فعال و خلاق، ایجاد روابط انسانی مثبت، برگزاری برنامه‌های هنری و ورزشی، مشارکت خانواده، رعایت عدالت تربیتی و اعمال رهبری اثربخش مدرسه، از جمله شاخص‌های اصلی مدارس شاد هستند. چنین ترکیبی از مؤلفه‌ها همسو با مأموریت‌های سند تحول بنیادین است که بر ایجاد محیطی پویا و همه‌جانبه برای رشد دانش‌آموزان تأکید دارد (Narkho et al., 2024).

از منظر روان‌شناختی، تأکید یافته‌های این پژوهش بر سلامت روانی و هیجانی دانش‌آموزان همخوان با مطالعات گراماکسو است که نشان دادند شادی در مدارس صرفاً به محیط فیزیکی وابسته نیست و کیفیت روابط انسانی و حمایت‌های عاطفی نیز سهم مهمی دارند (Gramaxo, 2023). ایگبرگ و همکاران نیز در پژوهش خود نشان دادند که هیجانات تحصیلی و احساس شادی نقش مستقیمی در خودتنظیمی یادگیری و عملکرد تحصیلی دارند (Egeberg et al., 2024). این شواهد تأکیدی است بر اینکه مدارس شاد باید همزمان به ابعاد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان توجه داشته باشند. همسو با این نتایج، غریب‌زاده و همکاران در مطالعه روان‌سنجی مقیاس مدرسه شاد، تأکید کرده‌اند که مؤلفه‌های روان‌شناختی از اصلی‌ترین ابعاد سنجش شادی مدرسه‌ای محسوب می‌شوند (Gharibzadeh et al., 2023).

در بعد آموزشی، یافته‌های این تحقیق حاکی از اهمیت روش‌های تدریس فعال، خلاق و مشارکتی در تحقق مدرسه شاد است. این نتیجه با مطالعات دوبان و کوچوک‌پیلماز هم‌خوانی دارد که در بررسی معلمان دوره ابتدایی نشان دادند روش‌های جایگزین ارزشیابی و تدریس خلاقانه، انگیزش و شادکامی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد (Duban & KÜÇÜKyilmaz, 2020). ریشا نیز در پژوهش خود به اهمیت یادگیری مشارکتی اشاره کرده و نشان داده است که به‌کارگیری این روش‌ها موجب ارتقای فعالیت کلاسی و افزایش شادکامی دانش‌آموزان می‌شود (Risha, 2019). همچنین یافته‌های جافری و همکاران در ایران نشان دادند که رویکردهای مشارکتی در کلاس‌های درس ارتباط مستقیمی با افزایش شادی دانش‌آموزان دارند (Jafari et al., 2022). این همگرایی نتایج بیانگر آن است که بدون تحول در شیوه‌های تدریس، دستیابی به مدرسه شاد امکان‌پذیر نخواهد بود.

از نظر محیطی، تأکید بر فضای فیزیکی ایمن و جذاب در یافته‌های این پژوهش، با پژوهش‌های داخلی و خارجی هم‌راستا است. بهرامیان و همکاران نشان دادند که شادی بیرونی دانش‌آموزان وابستگی زیادی به امکانات و فضای فیزیکی مدرسه دارد (Bahramian et al., 2020). همچنین، شریفی و شریفی نیز با تمرکز بر مقطع ابتدایی، محیط فیزیکی دلنشین و رنگارنگ را یکی از ارکان اصلی مدارس شاد معرفی کرده‌اند (Sharifi & Sharifi, 2016). در سطح بین‌المللی، فیلاده نیز در بررسی چالش‌های آموزش در آفریقا تأکید کرده است که نبود امکانات

مناسب فیزیکی و آموزشی، مانع تحقق محیط‌های یادگیری پویا و شاد است (Felade, 2018). این نتایج نشان می‌دهد که توجه به کیفیت فضاهای آموزشی، در کنار سایر مؤلفه‌ها، از الزامات بنیادین اثربخشی مدارس شاد محسوب می‌شود.

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که روابط انسانی مثبت میان معلم، دانش‌آموز و والدین، یکی از شاخص‌های کلیدی مدارس شاد است. این نتیجه با یافته‌های وو و همکاران همخوانی دارد که نشان دادند سبک طنز و تعامل مثبت معلمان، کیفیت ارتباط معلم - دانش‌آموز و در نتیجه شادی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد (Wu et al., 2022). در همین راستا، میلر و همکاران نیز در چارچوب روان‌شناسی مثبت تأکید کرده‌اند که شادی اصیل و رضایت شغلی معلمان می‌تواند به ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی و ایجاد محیطی مثبت در مدارس بینجامد (Miller et al., 2008). این شواهد نشان می‌دهد که ایجاد روابط انسانی مثبت، نه تنها به نفع دانش‌آموزان بلکه به سود معلمان و کل سیستم آموزشی است.

از بعد فرهنگی، یافته‌های این تحقیق تأکید دارد که برنامه‌های هنری و ورزشی، عدالت تربیتی و مشارکت خانواده نقش مهمی در اثربخشی مدارس شاد دارند. نتایج بهرامیان در تحلیل ادبیات شادی در فرهنگ ایرانی نیز مؤید آن است که شادی درونی و بیرونی باید در برنامه‌های فرهنگی و آموزشی مدارس نهادینه شود (Bahramian, 2021). همچنین، محمودی سردره و همکاران نشان دادند که فرهنگ سازمانی اثربخش، زمینه‌ساز افزایش شادی و رضایت در مدارس است (Mahmoudi Sardareh et al., 2021). یافته‌های اوگوچوکو و همکاران در نیجریه نیز نشان می‌دهد که مشارکت خانواده‌ها و جامعه محلی در فرآیندهای مدرسه‌ای، از عوامل کلیدی ارتقای کیفیت و شادی در مدارس است (Ugochukwu et al., 2021).

در بعد مدیریتی، نتایج این پژوهش اهمیت رهبری اثربخش و برنامه‌ریزی هدفمند را تأیید می‌کند. نارخو و همکاران تأکید کرده‌اند که تحقق اهداف سند تحول بنیادین در گرو وجود مدیرانی است که با رویکرد مشارکتی، محیطی شاد و اثربخش ایجاد کنند (Narkho et al., 2024). ایوانجلیستا نیز با بررسی نظام‌های آموزشی در اروپای شرقی نشان داده است که الگوهای تمرکززدایی می‌توانند استقلال مدارس را افزایش داده و شرایط مساعدتری برای تحقق شادی فراهم کنند (Evangelista, 2020). یافته‌های ماماواگ نیز نشان داد که ضعف در اجرای نظام مدیریت عملکرد مبتنی بر نتایج، یکی از موانع اساسی در تحقق اثربخشی مدارس است (Mamauag, 2022). این شواهد نشان می‌دهد که مدیریت اثربخش نه تنها یک ضرورت ساختاری بلکه رکن اصلی در تحقق مدارس شاد است.

همچنین باید به این نکته اشاره کرد که یافته‌های پژوهش حاضر، با نتایج بهرامیان و همکاران و همچنین دهقانی همسو است که مدارس شاد را در چارچوب فرهنگ ایرانی - اسلامی تبیین کرده‌اند (Bahramian et al., 2020; Dehghani, 2018). از سوی دیگر، همگرایی نتایج با مطالعات خارجی همچون گراماکسو (Gramaxo, 2023) و ایگبرگ (Egeberg et al., 2024) نشان‌دهنده جهانی بودن مفهوم شادی مدرسه‌ای است، هرچند تجلی آن بسته به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد.

نواوری پژوهش حاضر در ارائه مجموعه‌ای یکپارچه از شاخص‌هاست که هم ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی و هم ابعاد مدیریتی و فرهنگی را پوشش می‌دهد. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به یک بُعد خاص پرداخته‌اند، این تحقیق توانسته است تصویری جامع از مؤلفه‌های مدرسه شاد در چارچوب سند تحول بنیادین ارائه دهد. بنابراین، یافته‌های پژوهش می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری، طراحی ابزارهای سنجش و برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت مدارس قرار گیرد.

یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، تمرکز آن بر استان مازندران بود که ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به سایر استان‌های کشور را با محدودیت مواجه سازد. همچنین، روش تحقیق آمیخته با وجود مزایا، در جمع‌آوری داده‌ها به‌ویژه در بخش کیفی نیازمند زمان و منابع زیادی بود و همین امر می‌تواند در تعمیم‌پذیری نتایج تأثیر بگذارد. علاوه بر این، برخی از شاخص‌های شناسایی‌شده مانند سلامت روانی یا عدالت تربیتی، ماهیتی پیچیده دارند و سنجش دقیق آن‌ها نیازمند ابزارهای پیشرفته‌تری است که در این مطالعه در دسترس نبود.

برای غنای بیشتر ادبیات پژوهش، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده در مناطق و استان‌های مختلف کشور انجام شود تا امکان مقایسه‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم گردد. همچنین، انجام پژوهش‌های طولی می‌تواند اثربخشی مدارس شاد را در بازه‌های زمانی بلندمدت ارزیابی کند. علاوه بر این، استفاده از روش‌های نوین تحلیل داده‌ها همچون مدل‌های شبکه‌ای یا تحلیل کلان‌داده می‌تواند به شناسایی الگوهای پنهان در تحقق شادی مدرسه‌ای کمک کند. پژوهش‌های آتی همچنین می‌توانند نقش فناوری‌های نوین آموزشی و ابزارهای دیجیتال را در افزایش شادی و اثربخشی مدارس بررسی کنند.

از منظر عملی، نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در سطح مدارس باشد. مدیران مدارس می‌توانند با بازطراحی فضای فیزیکی، تقویت برنامه‌های هنری و ورزشی، و ایجاد محیطی امن و صمیمانه، زمینه شادی دانش‌آموزان را فراهم کنند. همچنین، معلمان باید در دوره‌های توانمندسازی شرکت کنند تا مهارت‌های لازم برای تدریس خلاق و مشارکتی را بیاموزند. خانواده‌ها نیز با مشارکت فعال در برنامه‌های مدرسه می‌توانند پیوند خانه و مدرسه را تقویت کنند. در سطح کلان، سیاست‌گذاران آموزشی باید با تکیه بر شاخص‌های شناسایی شده، چارچوبی منسجم برای ارزیابی و ارتقای مدارس شاد تدوین کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Education is recognized as a fundamental driver of social, cultural, economic, and political development in any society. Beyond its role in transmitting knowledge, it empowers individuals, fosters social cohesion, and contributes to national progress. The school, as the nucleus of educational systems, is not only a place for intellectual growth but also an environment where students' psychological well-being, motivation, and social skills are cultivated. Within this context, the concept of a "happy school" has emerged as a crucial paradigm,

emphasizing the integration of joy, well-being, and creativity into the educational process (Ugochukwu et al., 2021).

The importance of managing schools in a way that promotes happiness and well-being is emphasized across multiple research traditions. For instance, Bahramian highlights that the happy school model in Iran is rooted in Iranian-Islamic culture, and both external (facilities, environment) and internal (attitudes, behaviors) dimensions must be integrated for schools to succeed in promoting happiness (Bahramian, 2021; Bahramian et al., 2020). Similarly, Dehghani argues that Islamic teachings provide a rich foundation for defining the goals of a happy school curriculum, especially in fostering students' psychological well-being and motivation (Dehghani, 2018). These findings align with the broader global literature, which emphasizes that student happiness is both a determinant and an outcome of effective schooling.

Globally, studies show that the integration of happiness into school settings significantly impacts student achievement. Gramaxo, in a study of Portuguese students, demonstrated that happy schools are characterized not merely by physical resources but also by positive human relationships, creativity, and emotional support (Gramaxo, 2023). Egeberg and colleagues found that academic emotions and happiness directly influence students' self-regulated learning and achievement, confirming the strong link between emotional climate and academic performance (Egeberg et al., 2024). Similarly, Gharibzadeh et al. showed that the psychometric properties of the Happy School Scale support the multidimensional nature of happiness in schools, particularly in the Iranian context (Gharibzadeh et al., 2023).

The need for such approaches is underscored by evidence showing the consequences of poor school management. Mamauag's study in the Philippines demonstrated that implementing results-based performance management systems faces challenges that undermine happiness and effectiveness in schools (Mamauag, 2022). Likewise, Risha emphasized that cooperative learning strategies enhance student activity and engagement, which in turn are essential for fostering happiness (Risha, 2019). Wu and colleagues also found that humor styles of teachers significantly shape student-teacher interactions, thereby influencing the affective climate of the classroom (Wu et al., 2022).

Cultural and organizational aspects also play a critical role. Mahmoudi Sardareh and colleagues showed that an effective organizational culture in schools fosters trust, collaboration, and cohesion, all of which are critical elements of a happy school (Mahmoudi Sardareh et al., 2021). Miller and colleagues, applying positive psychology, argued that promoting authentic happiness and job satisfaction among educators enhances professional fulfillment and, in turn, improves school environments (Miller et al., 2008). Additionally, Evangelista, in the context of Czechia, highlighted the tension between centralization and decentralization in rural education, arguing that decentralization can empower schools to create happier, more autonomous learning environments (Evangelista, 2020).

Finally, strategic and managerial dimensions are central. Narkho and colleagues demonstrated that effective planning and management strategies aligned with the Fundamental Reform Document are prerequisites for creating happy and effective schools in Iran (Narkho et al., 2024). Felade, studying education in Africa, emphasized that infrastructural challenges and resource limitations remain significant barriers to implementing such strategies (Felade, 2018). Taken together, these studies highlight the multi-dimensional nature of happy schools, incorporating psychological, pedagogical, cultural, environmental, and managerial dimensions.

Therefore, the present study seeks to build on this body of knowledge by identifying the effectiveness indicators of happy schools within the framework of the Fundamental Reform Document of Education in Mazandaran Province. This integrated perspective contributes both to theoretical advancement and to practical policy-making in the field of education.

Methods and Materials

This study employed a mixed-methods design (qualitative–quantitative) to identify the indicators of effectiveness for happy schools in Mazandaran Province.

In the qualitative phase, an exploratory design based on grounded theory was applied using the systematic approach of Strauss and Corbin (1998). A purposive, criterion-based sampling method was used to select experts in education who met criteria such as more than ten years of professional experience, familiarity with the Fundamental Reform Document, and involvement in school-based or happiness-related programs. Semi-structured interviews were conducted until theoretical saturation was reached, and data were analyzed through open, axial, and selective coding. NVivo software was used to support qualitative data management and coding.

In the quantitative phase, a descriptive–survey design was applied. The statistical population consisted of all teachers and principals in Mazandaran Province. Using Cochran's formula, a stratified random sampling approach was employed. A researcher-made questionnaire was developed based on the qualitative findings and validated through expert judgment, confirmatory factor analysis, and reliability indices (Cronbach's alpha and composite reliability). Data were analyzed using descriptive and inferential statistics with SPSS and SmartPLS software.

Findings

The qualitative analysis resulted in the identification of multiple categories and subcategories that define the effectiveness of happy schools. These categories clustered around five overarching dimensions: psychological, educational, environmental, cultural, and managerial.

From the psychological dimension, key indicators included students' emotional well-being, reduced stress and anxiety, enhanced self-esteem, continuous psychological support, and development of resilience. Emotional safety and counseling programs were highlighted as essential to cultivating happiness.

In the educational dimension, indicators comprised the use of active, creative, and participatory teaching methods, project-based learning, integration of life skills, and formative assessment practices. Teachers' ability to adapt instruction to students' individual differences was also emphasized.

Environmental indicators included safe and attractive physical spaces, clean and colorful classrooms, accessible facilities, integration of green spaces, and provision of sports and artistic environments. These features were found to contribute directly to student motivation and engagement.

Cultural indicators were linked to promoting fairness and equity, strengthening parental involvement, fostering positive interpersonal relationships, and implementing extracurricular programs in arts and sports.

Finally, managerial indicators emphasized participatory leadership, goal-oriented planning, and alignment of school activities with the six sub-systems of the Fundamental Reform Document. Effective leadership was highlighted as the cornerstone of sustaining happy schools.

Quantitative analysis confirmed the validity of these dimensions, with confirmatory factor analysis supporting the five-dimensional structure. Reliability measures exceeded acceptable thresholds, and path analysis demonstrated significant positive relationships between these indicators and overall measures of school effectiveness.

Discussion and Conclusion

The results of this study confirm that happy schools are multi-dimensional constructs requiring simultaneous attention to psychological, educational, environmental, cultural, and managerial aspects. These findings resonate with earlier work by Bahramian, who argued that both internal and external dimensions of happiness must be addressed for schools to be effective (Bahramian, 2021; Bahramian et al., 2020). The emphasis on psychological well-being aligns with Gramaxo's finding that happiness stems from human relationships and emotional support as much as from material conditions (Gramaxo, 2023).

The importance of active teaching methods observed in this study supports prior research by Duban and Küçükyılmaz, who showed that innovative assessment and teaching methods are vital for enhancing student motivation (Duban & KÜÇÜKyilmaz, 2020). Similarly, Risha's findings regarding cooperative learning reinforce the necessity of participatory approaches in building a happy learning environment (Risha, 2019). Environmental indicators identified here mirror those described by Sharifi and Sharifi, who stressed the role of safe and colorful environments in elementary schools (Sharifi & Sharifi, 2016), and Felade's discussion of infrastructural challenges that hinder educational effectiveness (Felade, 2018). The role of cultural indicators, especially parental involvement, echoes findings by Ugochukwu et al., who demonstrated that effective school management requires community and parental collaboration (Ugochukwu et al., 2021). Managerial indicators observed in this study align with the work of Narkho and colleagues, who emphasized that implementation of the Fundamental Reform Document requires participatory leadership and strategic planning (Narkho et al., 2024). This finding is further supported by Evangelista's observations on decentralization, which empower schools to adapt policies that enhance happiness (Evangelista, 2020). In conclusion, this research contributes to the growing body of knowledge on happy schools by providing a comprehensive model of effectiveness indicators. Unlike prior studies that focused narrowly on specific dimensions, this study integrates psychological, pedagogical, environmental, cultural, and managerial factors into a holistic framework. Practically, the findings offer valuable insights for policymakers, school leaders, and educators aiming to align their efforts with the goals of the Fundamental Reform Document. The identified indicators can serve as benchmarks for evaluating, monitoring, and enhancing school environments to ensure that happiness is embedded as a central feature of educational practice.

References

- Bahramian, S. (2021). Presenting a happy school model by analyzing the themes of happiness in Iranian literature and culture. *Journal of Educational Literature*(49), 13. https://journals.iau.ir/article_680946.html
- Bahramian, S., Nadi, M. A., & Karimi, F. (2020). Identification of Components of a Happy School in the Iranian Primary Education System Based on Iranian-Islamic Culture. *Applied Issues in Islamic Education*, 5(3), 33-60. <https://doi.org/10.29252/qaie.5.3.2>
- Dehghani. (2018). Explaining the goals of the happy school curriculum based on Islamic teachingsJO - Scientific-Promotional Quarterly of Educational Sciences from the Perspective of Islam. 6(10), 6-27. <https://www.sid.ir/paper/257871/fa>
- Duban, N., & KÜÇÜKyilmaz, E. A. (2020). Primary education pre-service teachers' opinions regarding to the use of alternative measurement-evaluation methods and techniques in practice schools. *Elementary Education Online*, 7(3), 769-769. <https://ilkogretim-online.org/index.php/pub/article/view/1207>
- Egeberg, U., McConney, F., & Price, J. (2024). Academic emotions and happiness in students' self-regulated learning and achievement: a program of qualitative and quantitative research. *Journal of Criminal Justice*, 38, 367-369. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1207/S15326985EP3702_4
- Evangelista, J. (2020). Dimensions of centralization and decentralization in the rural educational landscape of post-socialist Czechia. *Journal of Rural Studies*, 74. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2019.12.018>
- Felade, F. (2018). *Challenges in Engineering Education in Africa*. Macmillan. <https://ir.unilag.edu.ng/handle/123456789/2805>
- Gharibzadeh, R., Moeinikia, M., & Akbari, T. (2023). Psychometric Properties of the Happy School Scale: A Study. *New Research in Psychology*(70), 195-202. https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_16523.html?lang=fa
- Gramaxo, P. (2023). What Makes a School a Happy School? Portuguese Students' Perspectives. *Frontiers in Education*, 8. <https://doi.org/10.3389/feduc.2023.1267308>
- Jafari, F., Salehi, K., Javadipour, M., & Kamali Mohajer, R. (2022). A Mixed-Methods Approach to Measuring School Happiness among Primary School Students in District 15 of Tehran. *Curriculum Studies Journal*, 17(65), 245-276. https://www.jcsicsa.ir/&url=http://www.jcsicsa.ir/article_153038.html
- Li, P., Edalatpanah, S. A., Sorourkhah, A., Yaman, S., & Kausar, N. (2023). An integrated fuzzy structured methodology for performance evaluation of high schools in a group decision-making problem. *Systems*, 11(3), 159. <https://doi.org/10.3390/systems11030159>

- Mahmoudi Sardareh, F., Shahamat, N., Ahmadi, E., & Salehi, M. (2021). Identification of Components and Indicators of Organizational Culture in Effective Secondary Schools. *Studies in Management and Sustainable Development*, 1(2), 65-94. https://journals.iau.ir/article_688012.html
- Mamauag, R. (2022). Results-based performance management system: Its implementation challenges in San Antonio Elementary School. *International journal of arts, sciences and education*, 3(1), 1-10. <http://mail.ijase.org/index.php/ijase/article/view/90>
- Miller, D. N., Nickerson, A. B., Chafouleas, S. M., & Osborne, K. M. (2008). Authentically happy school psychologists: Applications of positive psychology for enhancing professional satisfaction and fulfillment. *Psychology in the Schools*, 45(8), 679-692. <https://doi.org/10.1002/pits.20334>
- Narkho, R., Mohammadzad, T., Ebrahimi, S., & Mohammadzad, S. (2024). Investigating Effective Management and Planning Strategies in Schools Aimed at Implementing the Fundamental Transformation Document. *Strategic Research in Education and Training*(18), 75-84. http://www.iase-jrn.ir/article_248898.html?lang=en
- Risha, A. W. (2019). The Implementation of Cooperative Learning Strategy of Student Facilitator and Explaining (SFE) Type to Improve Activity and Learning Result. *Classroom Action Research Journal*, 2(1), 13-23. <https://doi.org/10.5408/0022-1368-XIII.1.23>
- Sharifi, M., & Sharifi, A. (2016). Identifying the components of a happy school in the elementary level. The fourth national conference on sustainable development in educational sciences and psychology, social and cultural studies, <https://civilica.com/doc/546681/>
- Ugochukwu, A. V., Akueyinwa, O. C., & Ndubueze, O. J. (2021). Effective School Management in Nigerian Secondary Schools: Issues, Challenges and Way Forward. *International Journal of Innovative Research and Advanced Studies (IJIRAS)*, 8(6), 34-39. https://www.ijiras.com/2021/Vol_8-Issue_6/paper_6.pdf
- Wu, C. L., Huang, H. J., Chen, P. Z., & Chen, H. C. (2022). Influence of Junior High School Students' humor styles and perceptions of their class Teachers' humor Styles on Teacher-Student Interaction. *Current Psychology*. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-03387-2>